

صفحه آرای: مرضیه انبری
هیات تحریریه: مهدیه رجبعلی گلدره-
زینب طاهری - نرگس عبدالله -
صبا سادات هاشمی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال
مدیر مسئول: نرگس عبدالله
سردبیر: هانیه مختاری
ویراستار: نرگس عبدالله

پرو دیسم



نشریه آیه/ بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد واحد
تهران شمال/ سال اول/ شماره اول/ بهار ۱۴۰۰

او خانه دار است
کار نمی کند
ص «۴»

من میترا نیستم
معرفی کتاب
ص «۴»

تراژدی مترو
ص «۴»

دختران در کشاکش
دو قطبی ها
ص «۳»

سخن سردبیر: هویت زنان را انکار نکنید

پایین، برخوردار نبودن از استعداد کمال یابی حداقل به اندازه مرد، از جمله اموری هستند که در ادیان مختلف به روشنی و فراوانی به چشم می خورد. در این جوامع، زن حرمت و کرامتی نداشت - جز دین خاتم که اراده خداوند بر مصون ماندن متن مقدس آن یعنی قرآن از تحریف تعلق گرفته است - . ولی در جوامعی دیگر، مورد احترام و دارای ارزش بوده است.

جایگاه و حقوق زن به عنوان نیمی از پیکره بشریت و بدنه جامعه انسانی، به همان اندازه قابل بررسی و ژرف نگری است که انسان، شایسته شناخت و بررسی است. هر گونه تحلیل و بررسی ابعاد وجودی زن - منهای ویژگیهای صنفی و جنسی - در واقع، تحلیل حیات انسان به شمار می رود. بررسی احوال زن و بررسی ابعاد حیات این بخش از جامعه انسانی، لازم و ضروریست. تحلیل و شناخت هویت زن و آشنایی با مقام و عظمت روحی و عواطف ملکوتی او و همچنین حقوق انسانی و طبیعی او از جمله مسائل مهم است که باید همه آنها شناخته و معرفی شود.

در چند سری از نشریات آیه به نحوه نگرش این ادیان به زنان میپردازیم و برای نشان دادن جایگاه زنان در ادیان و جوامع مختلف محتوایی ارائه خواهیم داد. با ما همراه باشید...

♦ هانیه مختاری

جایگاه زنان در جامعه امروزی بیش از پیش دارای اهمیت و شاخصه های مهم شده است. واضح و مبرهن است که آنان هم مانند دیگر نفرات احتیاج به ارائه ی الگوها و رفتار ها و ساختارهای مشخص دارند. از این رو برایمان دغدغه شد تا به جایگاه زنان در جوامع بپردازیم زیرا که هویت زن، هویت جامعه است و در واقع، ارزش گذاشتن به زن و کمالات و خدمات بی پایان او، ارزش گذاشتن به تمام اقشار جامعه است.

همه ی ادیان آسمانی در اصول، با یکدیگر مشترک بوده اند. اختلاف آن ها تنها از نظر کمال و نقص است؛ با این وجود اختلافاتی فراتر از اصول و حتی مطالب اشتباه را می توان در بعضی از ادیان مشاهده نمود. این مسائل حاکی از وجود تحریف در آنها بوده و با توجه به تاریخ مصرف هر یک از آنها امری طبیعی تلقی می شود. از جمله موضوعاتی که به رغم اهمیت و کثرت مصداق، مورد تحریف واقع شده موضوع زنان است.

نگاهی به تاریخ بر ما روشن می سازد که زن در بعضی جوامع، حقیر و پست شمرده می شده و حتی زنده ماندن او برای پدر خانواده ننگ و عار به شمار می آمده است. نگاه درجه دومی به زن، موجود پستتر قلمداد شدن، نداشتن استقلال و وابستگی به مرد و در خدمت او بودن، درک

سخن مدیرمسئول: دخترانگی، زیباترین جاده عالم

هر کدام مسیر یکی از ما دختران می شود.

سال هاست که جمع کثیری از دختران به فکر رونق بخشیدن و رفع کامل مشکلات این جاده هستند، اما در کنار اینها گروه ها و دسته هایی حضور دارند که هدف خود را تخریب این جاده تاریخی و باستانی و احداث جاده ای ناشناخته معین کرده اند.

روزها و شب های بسیاری است که تبلیغ این جاده های مبهم و خاکی، عده ای از دختران ما را به عنوان کارگرانی روزمزد برای ساخت آنها استثمار کرده اند.

امروز یک سال از تشکیل گروه دختران آیه می گذرد و این نشریه آغازی برای بیان همه دغدغه هایمان از این حنجره کوچک است.

ما به دنبال آن هستیم که در سختی های این دوران، جاده ابریشم دخترانگی را احیا کنیم و به کمک هم ناهمواری های آن را بپوشانیم.

اگرچه توان اصلاح تمام جاده را نداریم، اما اگر بتوانیم مانع زمین خوردن دختری در این ناهمواری ها باشیم و مسیر خودمان را تثبیت و جاده را برای فرزندانمان آباد کنیم، رسالت خود را به اتمام رسانده ایم.

باشد که رستگار شویم

♦ نرگس عبدالله

همه ما دخترها، پشت نیمکت های چوبی، بدون هیچ تمایزی، هدفی مشترک را دنبال می کنیم. هدفی که بخاطر آن دوازده سال از دوران کودکی و نوجوانی مان را صرفش می کنیم؛ اما حال و هوای سال های آخر دبیرستان با همه این سال ها متفاوت است.

تا این گلوگاه از مسیر زندگی، همه ما دختران همسفرانی هستیم که قرار است به یک مقصد نهایی برسیم؛ اما در این سال های آخر، هر کدام به دنبال تهیه بلیط برای مقصد دوم هستیم. بلیطی که نه تنها بهای دوران جوانی مان است، بلکه میان سالی و پیری مان را دربر می گیرد.

زمان می گذرد و سال آخر دبیرستان هم به سختی و مشقت، با نگرانی های بسیار از آینده ای نامعلوم به پایان می رسد. حال اینجا همه از هم جدا می شویم و هر کدام به دنبال پیدا کردن وسیله ای برای گذر از جاده بعدی و رسیدن به مقصد هستیم.

از اینجا به بعد تنها یک جاده یک طرفه وجود دارد؛ به نام دخترانگی!

عجیب اینجاست، که همه باید از جاده دخترانگی عبور کنیم، اما هر دختری یک مسیر طی نشده ای را کشف می کند. در هر صد قدم از جاده دخترانگی، ده ها کوچه و خیابان وجود دارد که

یهودیسلم

♦ صبا سادات هاشمی



تلمود باشند، خدمتی به تورات به حساب می‌آید که از آن ثواب و اجر عظیم بدست می‌آورند.

اما !!!

آیا صرفاً وظیفه ی زن پله شدن برای ترفیع رتبه ی مردان است؟

آیا زن هیچ حقوق انسانی برای خود ندارد و نباید در راستای رشد خود تلاش کند؟

اطاعت بی چون و چرا از مردان نه تنها در امور روزمره زنان به چشم می‌خورد، بلکه در حساس‌ترین حقوق یک انسان، از قبیل عبادت، ازدواج و.. ملاحظه می‌شود.

کتاب مقدس یهودیان، در تعیین تکالیف و حقوق زوجین به تمایز جنسی قائل بوده است و مرد را از آن جهت که مرد است، مستحق ریاست و سرپرستی بر زن می‌داند، تا حدی که عبادات زن نیز منوط به اجازه شوهر هست.

این ریاست نه فقط در خانه شوهر بلکه در خانه پدری نیز به قدری هست، که حتی اگر پدر بخواهد، می‌تواند دخترش را بفروشد.

گفت وگویی علنی میان زنان و مردان، حتی بین زن و شوهر از سوی فقهای یهود ممنوع بود و اگر زنی صدایش به قدری بلند بود که وقتی در خانه‌اش سخن می‌گفت، همسایگان قادر به شنیدن صدایش بودند، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق بدهد.

ازدواج اجباری به نام ییوم (ازدواج مرد با زن برادر متوفای خود) یکی دیگر از آداب و رسومی هست، که در آیین یهود رواج دارد. یعنی هرگاه دوبرادر با هم در یک جا ساکن باشند و یکی از آنها بدون داشتن پسری بمیرد، بیوه‌اش نباید با فردی خارج از خانواده ازدواج کند، بلکه برادرشوهرش باید او را به زنی بگیرد و حق برادر شوهری را به جا آورد. نخستین پسری که از این ازدواج به دنیا بیاید، باید به عنوان پسر برادر فوت شده محسوب شود تا اسم آن متوفی از قوم اسرائیل فراموش نشود.

در کتابهای مقدس و ادبیات قدیم اسرائیلی به یک شکل مادرسالاری برخورد می‌کنیم، ولی این مسأله نمی‌خواهد قدرت و اختیار زن را نشان دهد، بلکه به قدرت زن در خانواده اشاره داشته که زن با وجود اینکه اختیاری از خودش ندارد، اما آنچنان قدرتی دارد که بتواند خانواده خود را دستخوش تغییراتی پر سود کند.

پوشش زنان

از آنجایی که همه انسان ها در هر زمانی معتقد به پوشش (چه کم و چه زیاد) هستند، هر دینی با توجه به عقایدش برای پوشش و حجاب بانوان حد و حدودهای متفاوتی در نظر گرفته است.

این موضوع آنچنان در دین یهود اهمیت دارد که در یکی از کتب عهد عتیق به زنانی که حدود الهی را رعایت نکرده اند و از قوانین شرعی سرپیچی می‌کنند، نسبت به نزول عذاب هشدار داده است.

استفاده از پوشش سراسری برای سر و اندام ها بسیار مورد تأکید است؛ اما دختران مجرد، با شرط ساده بودن موی سر می‌توانند آن را مشخص بگذارند. آنچه لازمه رعایت حجاب در یهود است، متاهل بودن زنان می‌باشد.

یکی از علماء معاصر یهود در فلسطین اشغالی در کتاب خود، حجاب زنان به طور مفصل در باب کیفیت پوشش و حجاب بحث کرده است:

یهودیسلم

از ابتدای بشریت همه انسان ها به گونه ای به دنبال یک چارچوب و قانون مشخص بودند تا رفتارها و اعمال خود را بر اساس آن تنظیم کنند. فطرت خداجوی آنها کمک کرد که با آمدن پیامبران و تبلیغ ادیان، این قاعده و قانون را در دین بیابند و از آن پیروی کنند.

هر دینی با بیان دیدگاه خود در مسائل گوناگون سعی دارد پیروانش را در راه رسیدن به کمال تعیین شده برساند. به همین خاطر هر کدام در حوزه

مسائل زنان و جایگاه و هویت آنها اصولی را عنوان کرده اند.

ما در این سلسه از یادداشت های نشریه آیه سعی داریم با پرداختن به ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی جلوه زنان در آنها را به نمایش بگذاریم.

یکی از مهمترین دغدغه های فکری متفکران یهود (نه تنها یهود بلکه غالب بشریت) در قرن بیستم، شیوه نگاه به جایگاه زنان و هویت فرعی و ثانوی آنها بود.

با بررسی نوشته ها و اسناد موجود در تورات به عنوان کتاب اصلی دین یهود، جمله ای نظرم را به خود جلب می‌کند: «پس از اینکه آدم نتوانست درمیان موجودات زنده زوجی مناسب برای خود بیابد، خداوند او را به خواب برد و یکی از دنده هایش را برداشت و حوا را از آن آفرید. آدم بلافاصله دریافت که این موجود قسمتی از گوشت و استخوان اوست، لذا آن را زن (عبری) نامید. زیرا از مرد (عبری) گرفته شده است.»

با بررسی ریزبینانه تر و مطالعه عباراتی با مضمون فوق درمی‌یابیم که برای زن دین یهود نه تنها هویت مستقل و قابل احترامی در نظر گرفته نشده است، بلکه برای زن یک نقص ذاتی قائل هستند و اعتقاد دارند زن هیچگاه عامل نیکیبختی نبوده، بلکه مانند مرگ برای آدمی، تلخ و ناگوار است. اساسا در آیین تحریف شده یهود، برای زن شخصیت و منزلتی قائل نبودند؛ چرا که در کتاب های مقدس، برخی قوانین ظالمانه بشری جایگزین قوانین الهی شده است.

خانه ای از جنس اطاعتگاه

از دیدگاه اجتماعی، هر خانواده مانند یک هسته مرکزی از جامعه است که هر بحثی در این باره، باید با ملاحظه هر دو طرف این واحد اجتماعی (مرد و زن) فارغ از دید جنسیتی صورت بگیرد. روابط عاطفی و معنوی میان زن و شوهر نه تنها از لحاظ پرورش فرزندان، بلکه از لحاظ ساختارهای اجتماعی حائز اهمیت است.

در نگاه کتاب مقدس، مرد اصل و اساس خانواده معرفی شده است و زن موظف است که به اطاعت از او بپردازد، چرا که او را بیشتر از طفیلی مرد به حساب نمی‌آورند. در تورات علاوه بر این که زنان از ابتدای تولد تا به هنگام مرگ باید فرمانبردار باشد، وظیفه فرزندزایی و علاقه به شوهر در انحصار آنها قرار دارد.

«متبارک است خدایی که مرا یهودی خلق کرد، که مرا زن نیافرید و که مرا یک بی سواد و بی معرفت به وجود نیاورد.»

در نگاه اول احساس میکنیم، دعایی از یک نویسنده یهودی تمام عیار است. اما با مطالعه بیشتر درمی‌یابیم که این دعا در وصف جایگاه زنان در دین یهود، در دومین کتاب یهودیان به نام تلمود آمده است که انسان ها موظف اند، هرروز این سه دعای برکت را بخوانند.

درنگاه تلمود، نقش زن در خانواده واجتماع بشری، اشتغال به امور خانه داری منحصر شده است و تنها راه کمال زنان، خدمت به همسر و پسرانشان بوده است و این که خانه را برای آنها آماده می‌کنند و آنها را تشویق می‌کنند که به دنبال خواندن تورات و



حرکت در جامعه، ممنوع!

در باب حضور زنان در اداره جامعه و مشارکت در امور مربوط به آن، یهودیان براین باور بودند که به کارگیری زنان برای کارهای پرتحرک در جامعه مجاز نیست.

همچنین به لحاظ اجتماعی، زنان برای شغل های اجرایی و قضایی صلاحیت ندارند. انعکاس این نگاه در فقه یهود هم باعث شده است که زنان حق ریاست نداشته باشند.

زنان در جامعه ی یهودی قدیم اجازه ی شهادت نداشته اند. این نگاه به زنان در اسرائیل کنونی نیز همچنان پابرجاست و زنان حق شهادت دادن در دادگاه ربیون را ندارند.

درهر آیینی، تلاش همه افراد برای انجام بهتر و بیشتر امور عبادی یکی از با فضیلت ترین کارهاست.

دین یهود نه تنها نگاه جنسیتی خود را در امور اجتماعی سرلوحه قرار داد، بلکه دایره آن را تا مسائل عبادی و معنوی گسترش داد. زنان مجاز به برگزاری برخی مراسم عبادی دسته جمعی نیستند.

بسیاری از اعمال عبادی و دعاهایی که در کنیسه برگزار می شود، بدون حضور ده نفر ذکور عاقل و بالغ رسمیت نمی یابد و جماعت زنان در صورت عدم حضور ده مرد، حتی اگر متجاوز از صدها نفر باشند، مجاز به انجام بعضی مراسم از قبیل نماز جماعت نیستند.

همچنین رهبری و مقام های مذهبی در اختصاص مردان بوده و زنان حق سفر نداشتند.

آموزش با طعم آتش

نگاه غالب در امر تعلیم و تربیت به دختران این است که هر کس به دختر خود تورات بیاموزد، مانند این است که گویی به او کلمات و مطالب جلف، هرزه، پوچ و بی معنا آموخته است. برای همین علمای دین یهود فرمان داده اند که مردان به هیچ وجه به دخترانشان تورات نیاموزد؛ چرا که ذهن و عقل بیشتر زنان پذیرش تعلیم را نداشته و آنان، کلام تورات را ضایع می سازند.

این تنها یک نمونه بارز از نگاه ظالمانه به آموزش و رشد زنان می باشد.

بر طبق تلمود ربی های یهود به شدت تابع این عقیده اند که بهتر است کلمات تورات به آتش بسوزد تا اینکه زنان از آن بهره مند شوند. و هرکس دخترش را تعلیم دهد مانند این است که او را وقاحت، تعلیم نموده است.

البته گاهی برای تطهیر جایگاه زنان در این دین عنوان می شد که چون محیط فعالیت زن، در خانه

است، ممکن است زن، وقت و نیروی خود را صرف تحصیل علم کند، و به امور خانه داری نرسد.

با این تفاسیر چه چیزی برای زنان و جایگاهشان باقی می ماند؟

زن از نظر یهود چه مقام و منزلتی خواهد داشت؟

به راستی آیا آیین تفاوت ها میان زن و مرد خواسته ی طبیعت بشریست؟



- لباس باید به حدی گشاد و آزاد باشد تا اندام بدن به هیچ عنوان در آن برجسته نگردد و کمربند بسته نشود.

- آستین ها باید تا مچ دست را بپوشانند.

- گردن از طرفین تا شروع شیب کتف از پشت و در جلو تا بالای استخوان جناغ را بپوشانند (یعنی تمام دور گردن پوشانده شود)؛ حتی پاها باید پوشیده باشد و از پشت جوراب نباید پوست پا دیده شود و جوراب های عکس دار و با رنگ های تند ممنوع است.

- برای پوشش سر باید تمام موی سر را بپوشانند و آرایشی که باعث جلب توجه دیگران گردد، گناه بسیار بزرگی است.

علی رغم نظام سخت گیرانه حجاب در یهودیت، پس از رنسانس و تحولات اجتماعی اروپا و ایجاد فضای دین گریزی در غرب، شعائر دینی ازجمله سنت رعایت پوشش عفیفانه، رو به ضعف افول داشته و زنان یهودی تحت تأثیر فضای اجتماعی دوران تجدد، حجاب خود را کنار گذاشته و از کلاه گیس به عنوان شکلی از پوشش سر استفاده کردند.

بانوان یهودی در اروپا تا قرن نوزده، یعنی تا قبل از احاطه فرهنگ دنیوی غرب، حجاب داشتند؛ ولی بعدها با فرهنگ اطراف خود بیشتر آمیخته شده و به مرور زمان از پوشش آنها کاسته شد.

امروزه اغلب بانوان یهود موهای خود را جز در کنیسه نمی پوشانند و بعضی بانوان مؤمن بر اساس فتوای بعضی از خاخام های کشورهای غربی استفاده از کلاه گیس را از دیگر اشکال پوشش سر جهت جایگزین کردن حجاب سنتی راحت تر یافتند.

«ویل دورانت» در کتاب «تاریخ تمدن» وضع زنان یهود را در قرون وسطی اینطور شرح می دهد: «در طول قرون وسطی یهودیان چنان زنان خویش را با لباس های فاخر می آراستند؛ لکن به آنها اجازه نمی دادند که با سر عریان به میان مردم روند.»

از آنجایی که پس از ازدواج، مرد مالک زن به حساب می آید، زن کنترل و اختیار خود را براموال و درآمدش را کاملاً از دست می دهد و همه آنها به شوهر می رسد، چرا که ربیون یهود، حق شوهر بر دارایی های همسرش را به عنوان یک نتیجه فرعی از مالکیت شوهر برهمسر می دانند.

ارث نیز در دین یهود یکی از پرمجراترین قانونین حاکم بر آن است که در تورات بسیار محدود در خصوص آن بحث شده است.

در مذهب یهود وصیت افراد مشروط برآن که مبتنی برموازین شرعی باشد، نافذ است ولی قوانین و میزان سهم الارث افراد براساس فتوای خاخام تعیین می گردد و صدور حکم دادگاه نیز بر نظر او استوار است. به طور کلی میزان سهم الارث افراد بدین شرح است:

۱- ارث در صورتی به دختر می رسد که متوفی فرزند پسر نداشته باشد.

۲- اگر اولین فرزند، پسر باشد، دو برابر پسران دیگر از ارث بهره مند می شود.

۳- سهم دختر در صورتی که ازدواج نکرده باشد، ثابت است یعنی نصف فرزند پسر ارث می برد، ولی اگر ازدواج کرده باشد سهم الارث دختر به صورت جهیزیه به وی پرداخت شده و از ارث محروم می شود.

۴- زن در صورت ازدواج مجدد از سهم الارث خود محروم می شود.



دختران در کشاکش دو قطبی ها

◆ نرگس عبدالله

او خانه دار است کار نمی کند

هنرمند این اثر، دانش آموزی به نام «آجونات سیندهو وینایالا» از کراالا هندوستان است. آجونات همواره از پدرش می شنید که درباره همسر خود (مادر آجونات) می گوید: «او خانه دار است، کار نمی کند» و همواره از این نحوه معرفی مادر حیرت می کرد، زیرا هرگز مادرش را بی کار ندیده بود. وی این نقاشی را کشید تا زحمات بی پایان مادرش را نشان دهد، و نقاشی را به معلمش نشان داد، معلم، نقاشی را به دفتر ایالتی فرستاد، نقاشی وی در آن مرکز برای جلد «سند بودجه جنسیتی» سال ۲۰۲۱ انتخاب شد.

معلم با صدای بلند گفت: نوبت شماست!

دانش آموز گفت: چی خانم؟!

معلم گفت: گفتم دوست داری بزرگ شدی چه کاره بشی؟

دانش آموز گفت: خانه دار!

لطفا بدون تعصب بخوانیم.

خانه دار، خانه دار، خانه دار...

حرف به حرف را که در ذهن تکرار می کنیم، احساسی وجودمان را در برمی گیرد، جالب اینجاست که این احساس برای هر فرد کاملاً متفاوت است. واژه



نگفتیم که دکتر، مهندس شدن بسیار عالیست و زندگی را متحول ساخته و درب های بسته را به روی ما می گشاید، اما مادامی که در نقش های اصلی خانواده دچار مشکل باشیم، هر قدر هم که کسب علم کنیم، توان جبران خلاء هایمان را نداریم.

به آنها آموختیم، که تجدد تنها با خارج شدن از منزل و قبول شغل های شایسته و یا ناشایست محقق می شود؛ و ادامه حضور در منزل، سنت های دیرینه و یا دون شان را بر زندگی شما چیره می سازد.

ادامه صفحه بعد ...

به دخترانمان نیاموختیم که اثرگذاری اجتماعی در زندگی، از هر چیز گرانبه‌تر است، و زمانی شاغل هستی که در هر جایگاه و مقامی اثرگذار باشید، در غیر این صورت، با گرفتن ماهیانه‌ای مشخص نمی‌توانید خود را شاغل بنامید و تمامی افراد فاقد این شرایط را، بیکار!

به دخترانمان نیاموختیم که خانه‌داری ناسزا نیست، و نوشتن آن حین پرکردن فرم‌های اداری، در برابر واژه شغل، نقص به حساب نمی‌آید؛ بلکه خانه‌داری روشی برای مادرانی دغدغه‌مند نسبت به فرزند و خانواده است که اثرگذاری خود را از درون منزل شروع کرده‌اند، و اگر این روش را با چاشنی دانش و آگاهی همراه کنند، نیروی محرکه‌اش از بمب اتم قوی‌تر عمل می‌کند.

به دخترانمان نیاموختیم، همان‌طوری که دکتر، مهندس، کارمند، فروشنده و ... شغل به حساب می‌آید، خانه‌داری نیز شغل شریفی است که ثمره آن سالیانی طولانی در تربیت نسل‌ها موثر است.

به دخترانمان نیاموختیم که افراط و تفریط در هر کدام از این دو قطبی‌های کاذب، عواقبی به همراه دارد که نه تنها زندگی شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه چارچوب‌های یک جامعه را رو به استحاله می‌کشد.

بعد از دو سه دهه آموزش باید‌ها و نباید‌های سنجیده نشده، با بررسی چرائی تمایل دختران جوان، مخصوصاً دانشجویان در حال تحصیل، به بحث اشتغال (هر نوع اشتغال) به این نتیجه رسیدیم که غالب دختران تحت تأثیر فضای بیرونی و آموزش‌های خواسته یا ناخواسته جامعه این راه را انتخاب کرده‌اند.

معدودی از آنها برای کسب درآمد در جهت رفع نیازهای خود و خانواده خویش، در این مسیر قرار می‌گیرند، اما غالباً به چند دلیل به دنبال شغل می‌گردند:

- گروهی برای کسب درآمد و هزینه آن در صنعت مد و زیبایی مشغول به کار می‌شوند.

- دسته‌ای برای دستیابی به آزادی‌های بیشتر در برابر خانواده، اشتغال را پنجره‌ای به سمت آزادی می‌بینند.

- نفراتی نیز به دنبال دروی از سنت و گرایش به مدرنیته شدن هستند.

- و فقط عده محدودی برای یادگیری و یا آموزش علم وارد این عرصه می‌شوند.

قطعا نفرات دیگری با نیت قابل تامل‌تر هستند ولی اکثراً با این نگرش دست به کار می‌شوند، زیرا با بررسی شغل دختران در بازه تحصیل، شغل‌های دریافتی چیزی جز نتایج بالا را به ما نمایش نمی‌دهد.

شرایط امروز جامعه به ما نشان می‌دهد، که باید با مشخص کردن هدف از فعالیت اجتماعی در قالب‌های مختلف و تمایز بین حضور در اجتماع و اثرگذاری اجتماعی، به دخترانمان بیاموزیم که هیچگاه سعی بر تک‌بعدی بودن در یک زمینه را نداشته و به دنبال راهی برای بروز ابعاد وجودی خود باشید، اما اصول اولیه و الزامات یک خانواده را در راس فعالیت‌ها قرار دهید.

همچنین باید برای رفع معضلات پیش آمده و پیشگیری از آسیب‌های بعدی، تعریف مجددی، بدون نگاهی تبعیض‌آمیز از برخی واژگان داشته باشیم و در سطح جامعه گسترش دهیم، از آموزش‌های خواسته و یا ناخواسته غلط جلوگیری کنیم.

ما را در تلگرام دنبال کنید:

@aveh_ufn
@basijutn_ir



من میترا نیستم

♦ فاطمه حسن‌زاده



در سال ۱۳۶۰ در یک راهپیمایی علیه بی‌حجاب‌ها که زینب مسئول جمع‌آوری بچه‌های مدرسه بود؛ منافقین از همانجا او را زیر نظر گرفتند.

زینب همواره غسل شهادت داشت. روز آخر همان سال از من خواست تا بگذارم برای خواندن نماز مغرب و عشاء به مسجد بروم، و آن نماز آخرین نماز زینب ۱۴ ساله ام بود.

زمانی که از مسجد بازمی‌گشت در راه منافقین او را با چادرش خفه کرده و به شهادت رساندند. اما پیکر او بعد از دو روز یافت شد.

پیکر زینب کمایی همراه با پیکر ۱۶۰ شهید عملیات فتح‌المبین که از منطقه آورده بودند تشییع شد و در گلستان شهدای اصفهان، زیردرخت کاج به خاک سپرده شد.

به خاطر حجاب کاملی که داشت، همواره همه به او می‌گفتند چرا انقدر رویت را می‌گیری؟! و زینب در پاسخ می‌گفت: انسان اگر می‌خواهد کاری را انجام بدهد، باید بطور کامل انجام دهد.

شروع ماجرا از مبارزات و فعالیت‌هایش در مدرسه شهرزاد آبادان آغاز شد. از ساخت روزنامه دیواری و قرائت قرآن و دکلمه و شعر انقلابی سر صف مدرسه گرفته تا گفت و گو و مناظره، با کمونیست‌ها و مجاهدین خلق!

حتی در این ماجراها از گروهی از دختران مخالف انقلاب در مدرسه حساسی کتک خورد...!

او همواره سعی می‌کرد دختران مدرسه را تا جای ممکن ارشاد کند و معتقد بود انسان‌ها همه خوب‌اند و این جامعه و محیط است که انسان را از فطرت‌خداایی‌اش دور می‌کند.

شادی در وجود این دختر غوغا می‌کرد و اکثراً سعی داشت به وسیله آن، با کسانی که شبیه خودش نبودند دوست شود، تا بلکه نقطه روشنی در زندگی آنها بشود!

او همواره با پس‌انداز پول تو جیبی‌هایش با خرید گل و کتاب به ملاقات‌جانبازان جنگی رفته و در زمینه‌های مختلف به خصوص حجاب و حمایت از امام خمینی با آنها مصاحبه می‌کرد و صحبت‌های آنها را در روزنامه دیواری و یا سخنرانی‌های سر صف برای دیگران بازگو می‌کرد.

زینب بعد از انقلاب تصمیم گرفت به حوزه علمیه رفته و طلبه شود، این تصمیم زمانی رخ داد که فقط ۱۲ سال داشت!

او همواره می‌گفت ما باید دینمان را خوب بشناسیم تا بتوانیم از آن دفاع کنیم.

تراژدی مترو

♦ مهدیه رجبعلی گلدره



می‌گفتم (مدیونید فکر کنید فحش دادم بهشون) تازه با این قضیه هم کنار اومده بودم که یه آقای با جوراب‌های مردونه‌ای که دستش بود وارد واگن شد و جا رو برای من بدبخت تنگ‌تر کرد و علاوه بر اون گوش هامون رو هم تحت تأثیر امواج صدای بلندش قرار داده بود، این بار دیگه صدام در آمد و ازشون خواستم کمی آن طرف‌تر بایستند و الحمدلله گوش دادن ولی بعد از چند دقیقه روز از نو و روزی از نو!

با خودم گفتم کاش میشد به این چیزهای هرچند ریز و کوچک هم توجه داشته باشیم و با یه سری رفتارها جلوی معذب شدن بقیه رو بگیریم. با مشت و لگدهایی که معده ام به شکم می‌زد به خودم اومدم نزدیک ایستگاه مقصد بودم، درها باز شد و باز هم نگران از حادثه‌ی منا بودم ...که خداروشکر بدون هیچ حادثه‌ای به سمت بیت مبارک رهسپار شدم ...

همیشه با من یار نبود، جایی برا نشستن پیدا نکردم و کنار شیشه‌ای که واگن آقایون و بانوان رو از هم جدا می‌کرد، ایستادم .

با پهلوی تکیه زدم به اون شیشه، دیری نپایید که سنگینی نگاه‌های زیادی رو از سمت واگن کناری احساس کردم.

خودم و بر انداز کردم ؛ الحمدلله که نه شاخ داشتم، نه دم ، و نه حتی پوشش بد!

یه فحش زیر ماسکی نثار برخی آقایون ناعزیز کردم، بلکه دلم بر عکس معده ام یکم آروم بگیره !

گوشیمو باز کردم و وارد موزیک پلیر گوشیم شدم تا با هندزفری یه موزیکی گوش کنم، که تمام چیزای رو مخ اون لحظه رو جمع کنه و ببره، که دیری نپایید که به ایستگاه بعدی رسیدیم و با حجم عظیمی از مسافران، پشت در مترو مواجه شدیم.

واگن آقایون پر از مسافر بود، برای همین چند نفر از اون‌ها به اجبار خواستن وارد واگن بانوان بشن.

من که تو دلم خدا خدا می‌کردم رای مسافرای دیگه نه باشه، و اجازه ندن، اما مثل همیشه شانس من باهام لجبازی کرد و اکثریت مسافران واگن مشکلی نداشتند.

همون لحظه بود که آقایون وارد واگن شدن، ولی مثل اینکه اون جا رو چهار دیواری میدونستن، چون بدون هیچ ملاحظه‌ای راحت برای خودشون ایستادن و جای منو خیلی‌ها رو به خاطر حفظ چهارچوب‌ها تنگ کردن و به عقلشون خطور هم نکرد که شاید برخی از این همه راحتی، مودب باشن. آروم یه گوشه کُز کردم و تو دلم فتبارک احسن الخالقین به شعور بعضی آدم‌های حاضر در واگن

مثل هر روز، خسته از سرکار برمینگشتم .

به سمت ایستگاه متروی نزدیک محل کارم رفتم؛ امید داشتم که خلوت باشه (البته تهه دلم زمزمه میکردم آرزو بر جوانان عیب نیست)

و بله! حدسم درست بود، صفی رو دیدم که از صف خرید مرغ هم بیشتر بود!!!

با غر و اکراه پشت سر آخرین نفری که توی صف بود ایستادم.

چند دقیقه بعد بلیت رو خریدم و به سمت سکوی انتظار رفتم و منتظر قطار خیره به تاریکی تونل بودم.

همزمان صدای معده ام رو میشنیدم که داد می‌زد و می‌گفت: پر از خالی ام! غذا لطفا!

و من با وعده‌های پوچی مبنی بر اینکه چیزی نیست؛ خلوته زود می‌رسیم، سعی داشتم دلداریش بدم!

با صدایی که آروم آروم بیشتر می‌شد متوجه رسیدن قطار شدم.

مثل همیشه نگران رخ دادن حادثه‌ی منا هنگام سوار شدن بودم (مترو سوارا و اهل دلاش میدونن چی میگم؛ خنده با نیش باز)

همه همدیگر رو هول می‌دادن برای گرفتن جایزه بزرگ؛ جایی برای نشستن.

با هر سختی بود اون مسیر و فتح کردم و داخل مترو شدم.

از اون بازو‌هایی که ناشی از قهرمان‌شدن + یه لبخند ژکوند برای خودم نشون دادم.

از اونجایی که خدارو صد مرتبه شکر شانس